

نقش ملا و مکتب‌خانه‌های دینی در تحولات رشد فرهنگی شیعیان افغانستان

□ علی جان عادل‌لی *

چکیده

در طول تاریخ علاقه به فهم و درک رفتارهای فرهنگی فعالان دینی جاذبه قوی در گرایش به عرصه‌های فرهنگی داشته است، علی‌رغم این علاقمندی تلاش برای ارائه پاسخ به چگونگی نقش ملاهای مکتب به عنوان فعالان دینی در رشد فرهنگی دینی در جامعه افغانستان و تبیین تأثیرگذاری آنان در گسترش مکتب اهل‌بیت (ع) کمتر صورت گرفته است. از این رو با این سؤال بنیادین رو برو می‌شویم که نقش ملای مکتب به‌عنوان آموزگار و مبلغ احکام دینی در گسترش آموزه‌های دینی و رشد فرهنگی چه بوده و چه وظایف در قبال مردم و جامعه دارند؟ گمان این مقاله آن است که علمای شیعه خصوصاً ملاهای مکتب در رشد و گسترش فرهنگ دینی به ویژه مکتب اهل‌بیت (ع) نقش مؤثر داشته است. و هدف این نوشتار نشان دادن رفتارهای منتهی به آگاه‌بخشی، تقویت فرهنگ و آموزه‌های دینی توسط ملامکتب در جامعه افغانستان است که به دلیل تعصب حاکمان آن سرزمین از دست رسی به مراکز آموزش و فرهنگی دولتی محروم بوده است. و آن چه از این نوشتار به دست می‌آید، این است که در طول تاریخ، نقش ملاهای مکتب در آگاهی و تبیین احکام شرعی و تعالیم اسلامی بسیار برجسته بوده است. نه تنها آگاهی در باره امور معنوی و عبادی، بلکه امور مربوط به زندگی روزمره اجتماعی مردم، که پیوند ناکستنی بین مردم و «ملا» در تمام مراحل زندگی ایجاد کرده بود. به طوری که وجود یک «ملا» در یک منطقه از ضروریات به شمار می‌آمد.

واژگان کلیدی: مکتب‌خانه، ملا، نقش ملای مکتب، رشد فرهنگی، آموزه‌های دینی.

مقدمه

یکی از نیازهای اساسی هر فرد در جامعه بشری آموزش تعلیم و تربیت است، خصوصاً در جامعه دینی علاوه بر تعلیم و تربیت نیاز به هادی و راهنما، در راستای جهت‌دهی و مدیریت به‌سوی ارزش‌های دینی، ضروری به نظر می‌رسد. روحانیت و ملای مکتب به‌عنوان نیروی متخصص در مسائل دینی، مدیریت تعلیم و تربیت، آموزش احکام، اصلاح ذات‌البین، نقش برجسته‌ای داشته است. خداوند متعال نیز برای تحقق این مهم از اولین روزهای خلقت بشری افراد شایسته‌ای را به‌عنوان پیامبر برای هدایت، تعلیم و تربیت فرستاده است. در حقیقت فلسفه انبعاث رسول تربیت بشر است. در متون اسلامی ملاحا به‌عنوان جانشین انبیا معرفی شده در حدیث از امام صادق (ع) آمده است «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» (الكافي، ۱۴۲۹: ۱-۳۲) بناءً تعلیم و تربیت یکی از وظایف اصلی ملاحا به‌شمار می‌آید.

در کشور جمهوری اسلامی افغانستان، از زمان پذیرش دین اسلام تا دوران معاصر ملاحای مکتب به‌عنوان آموزگار و ترویج‌دهنده فرهنگ دینی، مورد توجه بوده است. با بیان این مطلب سؤال که مطرح می‌شود این است که نقش ملای مکتب در رشد فرهنگی جامعه دینی کشور جمهور اسلامی افغانستان چگونه قابل انعکاس است؟ سؤال مزبور را در قالب‌های جزئی‌تر ذیل نیز می‌توان مطرح کرد:

عمل کرد و دست‌آوردهای ملاحای مکتب در بین مردم چگونه ارزیابی می‌شود؟ ملاحا چه وظایف در قبال مردم دارد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها سعی شده نقش ملای مکتب و مکتب‌خانه‌ها در افغانستان در بخش مدیریت آموزش و رفتارهای اجتماعی، فرهنگی، توسعه و رشد اخلاق اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. و همچنین عوامل محیط درونی جامعه دینی، قوت‌ها و ضعف‌های موجود در آن مورد بررسی قرار گرفته در برنامه‌ریزی شیوه‌ای تدریس، و استفاده از متون درسی، و استفاده از وسایل آموزشی مدرن و بازدهی در حد انتظار از آن بیان شود. و همچنین نقاط مثبت و منفی، آسیب‌های آن را شناسایی نموده راهکارهای مناسب را در این زمینه ارائه داده شود.

مفاهیم و کلیات

از آنجای که درک، درست مفاهیم واژه‌های کلیدی تأثیر مهمی در فهم مطلب دارد، ارائه تبیین مفاهیم چند ضروری به نظر می‌رسد.

مُلا

واژه «ملا» از القاب عالمان دینی است که در کشورهایی با جمعیت مذهبی زیاد، مثل ایران و افغانستان و تاجیکستان، به کار می‌رود (خمینی، بی تا: ۳۵). در این کشورهای اغلب، به جای کلمه عالم، ملا، و برعکس شان استفاده می‌شود که در نزد عرف آن مردم معنای یک سان دارد. و در تعریف ملا گفته شده است: «ملا» به فردی «مرد یا زن» گفته می‌شود که در امور مذهبی اسلام و قوانین شریعت تحصیل کرده یا می‌کند. این واژه از کلمه عربی «مُولی» به «ملا» تغییر یافته که به معنی ارباب و هدایت‌گر است. «ملا» در عربی نیز به کار می‌رود. به مسئولان امور مذهبی در مساجد ملای مکتب گفته می‌شود، از واژه‌های مرتبط با کلمه‌ی «ملا» مولوی است؛ مولوی به معنی منسوب به مولا و مولی، از القاب عالمان و دانشمندان بزرگ می‌باشد و امروزه بیشتر به مجتهدان دینی اهل تسنن گفته می‌شود. که در جامعه اسلامی، تبلیغ و حفظ اسلام را از وظایف خود تلقی می‌کنند (خمینی، پیشین: ۳۵).

مهم‌ترین دلیل بر اینکه در ذات اسلام، گروه به نام ملا یا علما وجود داشته است صرف فرایند تاریخی اسلام نیست، بلکه دستور صریح قرآن است که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، ۱۲۲). پس چرا از هر طایفه‌ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم دین مهیا نباشند تا قوم خود را چون به نزدشان بازگشتند بیم رسانند، باشد که (از نافرمانی خدا) حذر کنند.

توجه به شرایط و صدور این فرمان، یعنی موقعیت حساس و اضطرار جنگ و جهاد از یک سو و شمول آن «من کل فرقه» از سوی دیگر، بیانگر ضرورت و اهمیت پیدایش طبقه ملا و مبلغان دین، هنگام ظهور اسلام بوده است (قنبری، ۱۳۸۰: ۱۳۸) به اعلی مرتبه‌ای آن، علماء، عالم، مجتهد و

مرجع تقلید گفته میشود.

واژه علما در لغت: جمع عالم است و عالم به کسی می‌گویند که دارای «علم» باشد (ابن منظور، بی تا: ۱۱۳/۱۲). و همچنین عالم به معنای خردمند و دانا آمده است و دانا کسی است که دارای دانش باشد در مقابل جاهل. (دهخدا، همان/ ۱۵۶۶۸) علما در اصطلاح: دانشمندان انواع مختلفی دارند، مثال؛ علماء اصول و علماء رسوم، که علما بعلم ظاهری اند (سجادی، ۲: ۱۳۷۳-۷۱۱). اما علما از نظر قرآن کریم و مفسران کسانی هستند که در قرآن تدبر می‌کنند. عالم لفظ عامی است، که از ملای مکتب یک منطقه گرفته تا بالاترین سطح، مجتهد و مرجع تقلید را دربر می‌گیرد.

آخوند

از واژه‌های مرتبط به علما در ادبیات دینی، واژه آخوند است. آخوند در اصطلاح، همانند «ملا» به اشخاص روحانی مسلمان در کشورهای دارای مسلمانان زیاد، گفته می‌شود. (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، ۱۴۰۰/۱/۱۱). این واژه در میان مردم رایج است و به کار برده می‌شود، اما به صورت رسمی کمتر کاربرد دارد و واژه «روحانی» در ادبیات رسمی جایگزین آن شده است. اما در قدیم الایام، واژه آخوند به طور رایج بعنوان استاد مذهبی امثال مکتب‌خانه بکار می‌رفت. به جز از پیشه، از واژه آخوند گاهی بعنوان قسمتی از نام یا لقب اشخاص نیز بکار برده می‌شده است، همانند محمد آخوند گرگانی، آخوند خراسانی، محمد آخوند و غیره.

آخوند یا ملا واژه‌ای متداول در ایران و افغانستان به معنی، پیشوای دینی و معلم علوم شرعیه، در این کشورها رایج شده و مأخذ و منشأ اشتقاق این کلمه به وضوح روشن نیست. علی اکبردهخدا احتمال داده که مخفف آغا و خوند «به معنی خداوندگار» باشد، مانند میرخواند و خواندمیر بعضی آن را تحریفی از آر خون یا آرگون یونانی که در آنجا عنوان روحانیان مسیحی است دانسته‌اند برخی آن را مرکب از آ «مخفف آقا» و خواند «فعل خواندن» پنداشته‌اند. (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، همان.)

مکتب خانه

برای مکتب، یا مکتب‌خانه تعریف مختلف ذکر شده است، از جمله گفته‌اند مکتب به محل که در آن کودکان به شیوه سنتی آموزش می‌دیدند، اطلاق می‌شود. (انوری، ۱۳۸۴، واژه مکتب) عده دیگر اهل لغت می‌نویسد: مکتب‌خانه مرکب از دو کلمه «مکتب» و «خانه» است. مکتب به معنای محلی برای آموزاندن کودکان به کار می‌رود (دهخدا، همان).

احتمالا به خاطرکه در اوائل مکان و محل خاص برای آن تعریف نشده بود و غالبا در خانه‌ها این آموزش دائر می‌شد، پسوند خانه به آن اضافه شده و به مکتب‌خانه معروف گردید. لذا قیدی خانه که به آن اضافه شده است، قید غیر ضروری به نظر می‌رسد. اما مکتب‌خانه در اصطلاح شعرا و بزرگان به محل تعلیم و آموزش به کار برده شده است این احتمال هست که مکتب به معنای مصدر خویش باشد. (دهخدا، همان)

مکتب‌خانه نخستین محل برای آموزش خواندن و نوشتن و ابتدایی‌ترین مرکز تعلیم آموزه‌های دینی در مناطق و روستاهای مختلف افغانستان به شمار می‌آید که توسط ملای مکتب اداره می‌شده است. یکی از محققان در مورد مکتب خانه‌های سنتی می‌نویسد: منظور اصلی کتابخانه‌ها آموزش خواندن و نوشتن بود و به همین خاطر نام آن «مکتب» به معنای نوشتن و نوشت آموزش انتخاب شده است. (شبلی، احمد، ۱۳۸۱، ۷۵)

مکتب‌خانه یکی از مراکز آموزشی و تعلیمی در اسلام بوده است. بلاذری به نقل از واقدی از این مرکز آموزشی در جامعه عرب قبل از اسلام هم نام برده است که در آن خواندن و نوشتن به بی سوادان تعلیم می‌شده است و اندک با سوادان صدر اسلام را محصول همین مکتب خانه‌ها دانسته است. (بلاذری: بی تا، ۵۸۳/۳)

با افزایش معلمان مسلمان هردو نوع مکتب (مکتب سواد آموزی و مکتب آموزش معارف دینی) در همدیگر ادغام شد و بر این جایگاه عمومی آموزشی، اسم مکتب یا مکتب‌خانه (در فارسی) و اسم کُتاب (در عربی) گذاشته شد که تا کنون به همین نام خوانده می‌شود (مظفری: ۱۳۹۸، ۳۱). منابع مکتوب از تاسیس این مرکز آموزشی در افغانستان بسیار کمیاب است، اما در لابلاهای اوراق تاریخ گزارش‌هایی ذکر شده است؛ از جمله مدارک دال بر وجود مکتب‌خانه نیمه دوم قرن اول و

اوائل قرن دوم، زندگی نامه‌ی ابوالقاسم ضحاک بن مزاحم بلخی (متوفای ۱۰۲ یا ۱۰۵ هجری) که در مورد شان نقل شده است که مدتی به ملای مکتبی و آموزگار کودکان و نوجوانان در بلخ اشتغال داشته و در آن مرکز و مناطق اطراف آن حدود سه هزار پسر و هفتصد دختر تربیت نموده است. ایشان از شاگردان امام سجاده (ع) بوده است (مجموعه مقالات، همان)

نقش مکتب‌خانه و ملای مکتب در آموزش، تعلیم و تربیت

مکتب‌خانه‌ها تأثیرگذارترین محل برای آموزش و گسترش فرهنگ و عقاید اسلامی به شمار می‌رود، خیلی از دانشمندان علما و مراجع تشیع؛ الفبایی، سوادآموزی را در مکتب‌خانه فراگرفته‌اند، ماهیت وجودی مکتب‌خانه‌های سنتی، سوادآموزی، آموزش تعالیم دینی، پرورش منابع انسانی است. قبل از به وجود آمدن نظام آموزشی مدرن و مکتب دولتی، مکتب‌خانه‌های سنتی مسئولیت آموزش و سوادآموزی کودکان را به عهده داشت. مورخان فعالیت مکتب‌خانه‌ها را در این مقطع از تاریخ بسیار مثبت و سازنده ارزیابی نموده‌اند (بختیاری، شیعه شناسی ۱۳۸۵: ۲۳۴). مکتب‌خانه‌ها به عنوان یک نهاد آموزشی در تاریخ گذشته خود از ساختار ساده استفاده کرده و دست آوردهای قابل توجه در راستای تحقق اهداف و رسالت خود داشته است. در مکتب‌خانه همه چیز حول یک محور اصلی و آن قرآن مجید می‌چرخید، در واقع پایه اصلی آموزش در مکتب‌خانه‌ها یادگیری قرآن بوده که خانواده‌ها از ابتدا کودکانشان را به نزد آموزگاران بنام «ملای مکتب» می‌فرستادند تا از این طریق قرآن بیاموزند. دانش آموزان مکتب‌خانه‌ها پس از فراگیری سواد مقدماتی (خواندن و نوشتن فارسی، و روخوانی قرآن به مدرسه‌های علمیه می‌رفتند و به تحصیل و تحقیق ادامه می‌دادند. حتی در دهه‌های اخیر که مکتب‌های رسمی و دولتی شروع به فعالیت نمودند، مکتب‌خانه‌های سنتی همین نقش را داشتند.

۱. نقش علمی و آموزشی ملاها در مکتب‌خانه‌ها

در گذشته مکتب‌خانه‌های سنتی تنها کانون آموزش اجتماعی محسوب می‌شده‌اند، «ملا» به عنوان گرداننده یا مدیر مکتب‌خانه‌ها بوده که در بین مردم شهرهای مختلف افغانستان شهرت داشته‌اند.

در برخی مناطق که میزان سواد مردم به ۷۰ درصد می‌رسد که سهم مکتب‌خانه‌ها در آن بیش از ۹۰ درصد است (بختیاری، همان). بسیاری از عالمان بزرگ افغانستان که امروزه در مسند و کرسی تدریس نشسته‌اند، دارای آثار علمی و شاگردان مبرز هستند در گذشته از شاگردان و دانش‌آموختگان مکتب‌خانه‌های سنتی منطقه بودند (ناصری، مشاهیر تشیع ۱۳۹: ۷۵) بعد از روی کار آمدن مکتب‌های رسمی و دولتی نیز مکتب‌خانه‌های سنتی به فعالیت خویش ادامه دادند. مکتب‌خانه‌ها برای مدتی در کنار مدارس دولتی در مقام یک رقیب و یا بدیل فعالیت می‌کردند؛ زیرا در برخی مقاطع تاریخی مدارس دولتی به دلایل سیاسی به روی برخی اقوام بسته بود و تنها مرکز علمی که می‌توانستند تحصیل نمایند مکتب‌خانه‌های سنتی بود. به‌عنوان نمونه بعد از قتل نادرخان توسط عبدالخالق هزاره که یک دانش‌آموز بود، برای مدت‌ها مکاتب دولتی به روی شیعیان بسته شد و فقط مکتب‌خانه‌های سنتی در مناطق مختلف فعالیت داشتند و شیعیان را از بی‌سوادی نجات دادند. یکی از محققان نقش علمی و آموزشی مکتب‌خانه‌های سنتی را توصیف نموده و می‌نویسد:

حکومت متحجر افغانستان مخصوصاً در زمان نادرخان و بعد از قتل نادرخان که توسط یک دانش‌آموز شیعه کشته شد، درهای مکاتب (مدارس) دولتی را به روی فرزندان شیعه بستند، و تنها امید و روزنه باسواد شدن فرزندان شیعه مکتب‌خانه‌های سنتی و مدرسه علمیه دینی بود که حتی در روستاهای دورافتاده، ابتدا در مکتب‌خانه‌ها و سپس مدرسه‌های دینی، درس می‌خواندند. این مدارس دینی توسط عالمان محلی بدون هیچ‌گونه کمک و چشم‌داشتی از دولت افغانستان اداره می‌شد و فرزندان شیعه باسواد می‌شدند (ضیایی، تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان ۱۳۹۶: ۱۱۲) اکثر از اندیشمندان و مورخان افغانستان به این باورند که مکتب‌خانه‌های سنتی و دینی در برخی مقاطع تاریخی در سواد آموزی و رشد علمی مردم افغانستان بی‌بدیل بوده است. مکتب‌خانه‌های سنتی زمینه‌ساز ورود افراد با استعداد و سخت‌کوش به مراحل بعدی نظام آموزشی به ویژه حوزه‌های علمیه بوده است یعنی کسی می‌تواند وارد حوزه علمیه شود و در مقاطع بالا درس بخواند که در مکتب‌خانه‌های سنتی خوش‌درخشیده بودند (آیتی ۱۳۹۰: ۲۳۵-۲۳۹) هر چند خیلی‌ها به این عقیده‌اند که هدف و رسالت اصلی مکتب‌خانه‌ها، آموزش خواندن

و نوشتن بوده است و به همین دلیل نام آن «مکتب» یعنی نوشتن و نوشت آموزش «تکتیب» انتخاب شده است (شبللی ۱۳۸۱: ۴۹). درحقیقت تا قبل از تأسیس مدرسه و حوزه‌های علمیه در مناطق شیعیان افغانستان مکتب‌خانه به‌عنوان مرکز آموزشی، حداقل تا سطوح متوسطه بوده است. اما پس از به وجود آمدن و تأسیس شدن مدرسه و حوزه‌های علمیه در اکثر مناطق شیعیان، شاگردان بااستعداد مکتب‌خانه‌ها پس از فرا گرفتن سواد ابتدایی وارد مدرسه علمیه شده و شروع به دروس مقدماتی حوزه می‌کردند.

در مکتب‌خانه «ملا» که مدیریت آن را به عهده داشت دستیاری داشته که از بین باسوادترین دانش آموزان انتخاب می‌شد و او را «وکیل آخوند» می‌گفتند و کارهایی اجرایی مکتب و حتی تدریس و تعلیم مبتدی‌ها را بر عهده داشت.

یکی از خصوصیات مکتب‌خانه‌های محلی آزادی در امر تعلیم و تربیت بود، آزادی سنی در بدو ورود به مکتب‌خانه‌ها، آزادی در شروع و ختم درس و غیره.

۱-۱. آموزش خواندن و نوشتن برای کودکان

مکتب‌خانه از ابتدا با هدف انجام تعلیم و آموزش خواندن و نوشتن، بنا گردیده است، ملای مکتب به عنوان آموزگار و معلم، کودکان را آموزش و درس می‌دادند، هر چند ممکن است برنامه‌های درسی مکتب‌خانه‌ها در مناطق مختلف افغانستان متفاوت باشد، ولی آن چه که در دهه‌های اخیر مرسوم بود و بسیاری از بزرگان و کسان که به مکتب‌خانه سنتی رفته‌اند نیز تعریف می‌کنند اولین برنامه درسی مکتب‌خانه‌ها برای افراد تازه وارد قاعده بغدادی بوده است. قاعده بغدادی دو بخش دارد: بخش اول به حروف الفبا اختصاص دارد که در ابتدا فقط الفبا را آموزش می‌دهد، سپس ترکیب حروف را تعلیم می‌دهد. بخش دوم آن سوره‌های کوچک قرآن را می‌آموزد. همچنین برای فراگرفتن خواندن و نوشتن فارسی، کتاب‌های همانند پنج‌کتاب و حافظ در ده‌های اخیر آموزش داده می‌شد. با قلم نی و دوات که از گچ سفید ساخته می‌شد بر روی تخته چوبی به صورت خط نستعلیق در ابتدا الفبای فارسی و سپس کلمات کوتاه یا جملات از یک یا چند مصرع شعر، آموزش داده می‌شود، از آنجای که بعضی از ملای مکتب خط زیبای داشت، این روش

برای زیبا نوشتن خیلی مؤثر بود، برخی از شاگردان مکتب‌خانه نسبتاً زودتر به خوبی نوشتن خط به شکل زیبایی را فرا می‌گرفتند.

۲-۱. آموزش قرآن کریم در مکتب‌خانه

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین مواد درسی بود که ملای مکتب به کودکان آموزش می‌داد، در واقع یکی از ویژگی‌های مهم مکتب‌خانه‌های سنتی نسبت به سایر مراکز علمی در افغانستان و سایر جهان اسلام این است که بنیاد آن بر پایه تعلیم و یادگیری قرآن کریم و تلاوت آن است. در حالی که سایر مراکز آموزشی مانند خانقاه‌ها، رباط‌ها، کتابخانه‌ها هر چند اهداف اولیه آنان نیز آموزش بوده، ولی به آموزش دینی و قرآن کریم اختصاص نداشته‌اند. در حالی که مکتب‌خانه‌های سنتی از آغاز پیدایش تا به امروز به ویژه در میان شیعیان افغانستان، همواره در امر تعلیم و تربیت، خواندن و نوشتن و نیز آموزش قرآن کریم نقش مؤثر داشته است. بر این اساس، دانش آموزان از همان ابتدای ورودش به مکتب‌خانه با حروف و الفبای عربی و قرآن کریم آشنا می‌شوند و اولین چیزی که یاد می‌گیرند حروف قرآن کریم است. در اوایل شروع به کار مکتب‌خانه‌های سنتی در رأس مکتب‌خانه‌ها عالمان برجسته و متقی به‌عنوان ملایی مکتب انجام وظیفه می‌کردند، که در اخلاق رفتار و توانایی، در جامعه نمونه بودند و اکثر تحصیل کرده حوزه علمیه نجف بودند، که در کتب مشاهیر تشیع افغانستان از آنها به نیکی یاد شده است اما در سده اخیر در اغلب مکتب‌خانه‌ها ملاهای کم سواد مدیریت آموزش قرآن به کودکان و نوجوانان را به عهده داشته و با سبک و سیاق خاصی به آموزش قرآن می‌پرداختند و معمولاً در طول یک دوره یکساله بطور متوالی و یا متناوب با گذراندن مقدمات آشنایی با حروف و حرکات و اعراب کلمات، آموزش روخوانی سی جزء قرآن کریم بطور کامل سپری می‌شد.

روخوانی قرآن کریم را به صورت هجاء و به تدریج روان خوانی که در زبان محلی از آن تعبیر به «روانی» روان خوانی می‌شود به کودکان آموزش می‌دادند. سپس قرائت قرآن کریم و تجوید آن را به دانش آموزان یاد می‌دهند (بختیاری، همان) بدین ترتیب اولین برنامه آموزشی کودکان با ورود به مکتب‌خانه با آموزش الفبای قرآن کریم و آموزش آن کلید می‌خورد.

۳-۱. آموزش احکام در مکتب‌خانه

آموزش احکام از جمله برنامه‌های اصلی ملای مکتب در مکتب‌خانه‌های سنتی بوده است. احکام هم به صورت تئوری و هم به صورت عملی توسط ملای مکتب برای دانش آموزان آموزش داده می‌شد؛ به این شکل که ابتداء احکام «واجبات نماز، وضو مقدمات نماز، فروع و اصول دین» توسط «ملای مکتب» برای دانش آموزان آموزش داده می‌شد. این برنامه آموزشی از سال‌های خیلی دور در مکتب‌خانه‌ها وجود داشته است. پیش از این که رساله عملیه به زبان فارسی توسط مجتهدان شیعه تهیه و تنظیم گردد، دانش آموزان وسیله النجات آقا ابولحسن اصفهانی را برای آموزش احکام در مکتب‌خانه‌ها فرا می‌گرفتند، بعد از آن، منهاج الصالحین مرحوم آیت‌الله حکیم را می‌خواندند. بعد از چاپ رساله عملیه، یکی از برنامه‌های درسی مکتب‌خانه‌های شیعه آموزش رساله عملیه بود که یکی از فقهای شیعه نگاشته بود (ضیایی، مکتب‌خانه‌های دینی، همان). سپس آموزش احکام به صورت عملی که فقط شامل نماز و برخی احکام مبتلا به می‌گردد، به این صورت که ملای مکتب وقتی اذان را برای دانش آموزان یاد می‌دهد از آنها می‌خواهد که به نوبت در اوقات نماز به خصوص نماز ظهر به پشت بام حسینیه یا مسجد رفته با صدای بلند اذان بگویند. در هنگام نماز صبح و مغرب دانش آموزان موظفند که در محله و قلعه‌های خودشان به گفتن اذان پردازند. سپس وقتی نماز ظهر و عصر را می‌خواند تمام دانش آموزان یا به ملای مکتب اقتدا می‌کنند و یا به نماز خواندن ملای مکتب توجه می‌نمایند و از این طریق با احکام و اجزای نماز آشنا می‌شوند. علاوه بر این، در برخی مناطق ملای مکتب وقتی به خانه‌ها برای صرف شام می‌رفت که معمولاً به صورت نوبتی همراه با عده‌ای از موسفیدان و نزدیکان میزبان بود که یکی از برنامه‌های ملای مکتب بحث احکام بود که تبیین و بیان می‌گردید. بنابراین، مکتب‌خانه‌های سنتی در تبیین احکام بسیار نقش فعال و مؤثر داشته‌اند. خیلی از پدران و مادران که سواد نداشتند، برخی احکام دینی را بلد نبودند از فرزندانش که به مکتب‌خانه می‌رفتند، احکام مبتلا به را می‌پرسیدند و یاد می‌گرفتند، و در مواردی که کودکان دانش آموز، تا هنوز فرانگرفته بودند واسطه می‌شدند و از ملای مکتب می‌پرسیدند و برای والدین خود بازگو می‌کردند.

۴-۱. آموزش عقاید اسلامی در مکتب‌خانه

یکی از برنامه‌های دیگر مکتب‌خانه‌های سنتی آموزش دادن عقاید اسلامی و عقاید مکتب‌ناب اهل بیت (علیهم السلام) به دانش‌آموزان بوده است. برخی نویسندگان به این باور است که آموزش عقاید از جزء برنامه‌های هفتگی مکتب‌خانه‌ها در طول هفته است (جمعی از نویسندگان: ۸۱) از جمله چیزهایی که دانش‌آموزان در مکتب‌خانه‌ها یاد می‌گرفتند عبارت بود از اصول دین، شهادتین، زندگی نامه (پشت نامه) چهارده معصوم، علاوه بر این یکی از برنامه‌های ملای مکتب سخنرانی و روضه خوانی در روزهای جمعه یا بعد از ظهر پنجشنبه بوده است. در این سخنرانی علاوه بر این که مباحث اخلاقی مطرح می‌شد به مباحث اعتقادی مانند افضلیت ائمه (علیهم السلام) بر سایر مردم، معاد، عالم پس از مرگ و سایر مباحث اعتقادی توسط ملای مکتب بیان می‌شد که در تبیین عقاید دینی بسیار مؤثر بوده است. محققان در این زمینه نوشته‌اند: ملا یا آخوند مکتب‌خانه، اصول دین و احکام فقهی را به زبان ساده به دانش‌آموزان می‌آموزد. برای مثال اصول پنجگانه دین و مذهب، صفات سلبی و ثبوتی خداوند، فروع دین (نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری)، احکام نماز مانند (مقدمات نماز، مقارنات نماز، شکایات و سهویات نماز)، نجاسات، و مطهرات به طور معمول در مکتب‌خانه‌ها به دانش‌آموزان آموخته می‌شود (بختیاری، پشین: ۲۳۹).

۵-۱. آموزش اخلاق در مکتب‌خانه

اهتمام به مسائل اخلاقی، چگونگی برخورد با دیگران، احترام گذاشتن به بزرگترها، گوش دادن به فرامین والدین، نوع روابط با اطرافیان رعایت حقوق دیگران، که در دین مبین اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به آن سفارش موکد شده، از مسائلی است که ملاهای مکتب به آن توجه داشته‌اند. بر این اساس، هر چند برنامه درسی مشخصی تحت عنوان درس اخلاق اجتماعی در مکتب‌خانه‌ها وجود نداشت ولی در فرصت‌های مختلف ملای مکتب این مسائل اخلاقی را به دانش‌آموزان بیان می‌کرد. هم‌چنین نوع رفتار و عملکرد ملای مکتب با شاگردان نشان از اهمیت این موضوع در مکتب‌خانه‌ها دارد. بدین ترتیب اخلاق اجتماعی کودکان و دانش‌آموزان یکی از

اموری است که ملای مکتب به دقت زیر نظر داشته است. چنان که اگر یکی از کودکان به کاری می‌پرداخت که اخلاق اجتماعی در آن رعایت نشده بود به‌عنوان نمونه در مجلس در برابر بزرگترها موضع می‌گرفت و حرف بزرگان نمی‌پذیرفت یا همسایه را آزار می‌داد به شدت از طرف ملای مکتب‌خانه مورد تنبیه قرار می‌گرفت. علاوه بر این خود ملای مکتب به‌عنوان الگو برای کودکان همواره مواظب بود در روابط اجتماعی و حتی نوع نشستن آداب اسلامی را رعایت نماید. ملای مکتب روی تشک می‌نشست و در مجلس از دراز کردن پاهایش خودداری می‌کرد و اگر دانش‌آموزی در زمان تحصیل این کار را انجام می‌داد مورد سرزنش و تنبیه ملای مکتب قرار می‌گرفت. هرچند در برخی موارد، تنبیه از سوی برخی ملای مکتب، با خشونت تمام و افراط انجام می‌شد.

به همین جهت برخی از محققان تنبیه و آزار بدنی و روانی کودکان را در مکتب‌خانه، یکی از خصوصیت‌های منفی آن به حساب آورده‌اند که با مبنای اسلامی و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) سازگاری ندارد؛ ولی در عین حال مردم از مکتب داری استقبال و تمجید می‌کردند که دارای روش خشونت و آزارشان بیشتر بود و غالب افراد این گونه مکتب داری را برمی‌گزیدند (جمعی از نویسندگان، پیشین: ۸۶). به خاطر جنبه مثبت آن، این مقدار از خشونت از دیدگاه آنان ضروری به نظر می‌رسید، که جای قابل تأمل است. بدین ترتیب مکتب‌خانه‌های سنتی در آموزش اخلاق اجتماعی نیز مؤثر بوده است.

۲- نقش ملای مکتب در احیای سنت‌های اسلامی

از ویژگی‌های برجسته مردم افغانستان پابندی به آداب و رسوم اسلامی و پیروی از سیره و زندگی مکتب اهل بیت (ع) است. به گفته نویسندگان معاصر افغانستان با اینکه امروزه در افغانستان حکومت دموکراسی برقرار است و مردم از آزادی برخوردارند، تعدادی زیادی از مردم افغانستان از مهاجرت‌های چندین ساله در سایر کشورها با فرهنگ و آداب و رسوم آن کشور برگشته‌اند اما آداب و رسوم اسلامی به شدت مورد استقبال مردم افغانستان است. به نظر می‌رسد، مکتب‌خانه‌های سنتی و ملاحی مکتب، در ترویج آداب و رسوم اسلامی میان شیعیان

افغانستان نقش داشته است. زیرا ملای مکتب علاوه بر تعلیم کودکان و دانش آموزان وظیفه تربیت آنان را نیز به عهده دارد. از جمله نخستین چیزی که به‌عنوان آداب و رسوم مورد توجه ملای مکتب‌خانه است، چگونگی سلام کردن و جواب سلام دادن است که در مکتب‌خانه عملاً آموزش داده می‌شود. و همچنین چگونگی نشستن و برخاستن و صحبت کردن با بزرگتران از دیگر آداب اسلامی است که ملای مکتب‌خانه زیر نظر دارد. نشستن سر سفره و رعایت آداب آن، از دیگر اموری است که ملای مکتب به شدت رعایت می‌کند، شستن دست قبل از غذا و بعد از غذا، گفتن «بسم الله» قبل از غذا و دعای سفره بعد از صرف غذا از دیگر برنامه‌های ملای مکتب است. شرکت در مراسم جشن‌های اسلامی و دینی مانند ولادت‌های معصومین (علیهم السلام) جشن‌های ملی مانند عید نوروز و مراسم شادی محله چون آمدن مسافر به وطن. ملای مکتب بعد از فراغت از شاگردان مکتب در حسینیه و یا مسجد می‌نشیند و به کارهای ضروری و پاسخ به مسائل دینی و امور زندگی روزه مره مردم رسیدگی می‌کند. و همچنین به مسئله (احکام) گویی، خواندن داستان‌های تاریخی و اسلامی، سیره معصومین (علیهم السلام) و بزرگان دینی و علماء که خود بر فرهنگ سازی سالم جامعه و سمت و سو دادن درست افکار و اندیشه‌ها و باورهای مردم کمک فراوان می‌کند.

رسوم و عنعنات مردم افغانستان برخاسته از فرهنگ دینی بوده که نقش و حضور ملای مکتب در نحوه برگزاری آداب و رسوم بسیار برجسته است. در اینجا به‌صورت نمونه به بخشی از فعالیت ملای مکتب در رسومات پرداخته می‌شود.

۲-۱. نقش ملاها در برگزاری سنت ازدواج

یکی از سنت‌های الهی ازدواج است که در آیات قرآن کریم (النساء/۳). و روایات منقول از پیشوایان معصوم (مجمع البیان: ۱۲۳) بر آن تأکید فراوان شده است. در اکثر مناطق افغانستان اکنون هم این سنت الهی با رسم خاص و مقدمات و طی مراحل ویژه‌ی با حضور و راهنمودهای ملای مکتب دربارهی مسائل چون مهریه، مراسم عقد و تعیین روز عروسی انجام می‌گیرد. مراسم عقد و نامزدی معمولاً طی مراسم بسیار ساده در روز نیک معمولاً ایام ولادت پیشوایان

معصوم که مورد توافق خانواده‌های دو طرف قرار گرفته با حضور خانواده‌های داماد و عروس و موسفیدان محل و ملای مکتب انجام می‌گیرد. بدین صورت که مهمانی در خانواده عروس ترتیب داده می‌شود و خانواده داماد با گرفتن شیرینی و تهیهی لباس برای عروس حضور می‌یابند و با صرف شام و یا نهار و خواندن خطبه عقد و دعای ملای مکتب به پایان می‌رسد. همچنین در مراسم عروسی پیش از برگزاری مراسم، نزد ملای مکتب رفته، برای مشورت و پرسیدن ساعت و روز نیک، برای این‌که عروسی در زمان نحس واقع نشود. و در ضمن از ملای مکتب دعوت می‌شود تا در مراسم حضور داشته خصوصاً در هنگام پوشیدن لباس داماد و دعای خیر نمودن پس از پوشیدن لباس داماد و در هنگام رسیدن عروس در خانه‌ی داماد. در کل ملای مکتب در چنین مراسم در احیای سنت و شعایر اسلامی نقش برجسته‌ی دارد.

۲-۲. رعایت آداب و رسوم در مهمانی‌ها و نقش مالا‌های مکتب

رعایت آداب و رسوم اسلامی بیش از اینکه در مکتب‌خانه صورت گیرد در برنامه‌های مجالس مهمانی خصوصاً مهمانی ملای مکتب که از آن به «نوبت ملا، مهمانی ملا» تعبیر می‌شود صورت می‌گیرد. زیرا در این مهمانی علاوه بر ملای مکتب چند نفر محاسن سفید و نزدیکان میزبان نیز شرکت می‌کنند. در این محفل مسائل دینی و اسلامی مطرح می‌شود. در این مجلس زمینه خوب و مناسبی جهت تبلیغ دین اسلام است. به صورت نمونه ذکر یک خاطره از مهمانی ملای مکتب، شاید خالی از فایده نباشد. در زمان که شاکرد مکتب‌خانه بودم در یکی از مهمانی‌های ملائی مکتب حضور داشتم، میزبان که مرد متدین میان سال بود، در هنگام پذیرای سینی لیوان‌ها از دستش افتاد، و تعداد لیوان‌ها شکست، ملای مکتب از این فرصت استفاده کرده و بالحن شوخی و مزاح گفت: این اتفاق بر اثر این است که شما احتمالاً خمس و ذکات اموال تان را پرداخت نمی‌کنید. ملای مکتب از این فرصت استفاده نموده کمی درباره‌ی فوائد پرداخت خمس و ذکات، صحبت نمود و صاحب خانه گفت: سری سال دارم ولی خمس این سال را تا هنوز فرصت نشده است حساب کنیم، از ملا خواهش کرد که در فرصت که پیدا می‌کند بیاید و خمس شان را باید حساب کند. البته باید توجه داشت، که طرح چنین مسئله در جمع، و لحن

گفتار؛ گاهی ممکن است باعث خجالت شدن میزبان شده و نتیجه معکوس بدهد.

۲-۳. حضور ملای مکتب در عیادت و دلجوی از بیماران

در متون دینی، عیادت بیمار از فضائل اخلاقی و نشانه‌های اخلاق حسنه و حسن سلوک با مردم، شمرده شده است. چنان که در شرع مقدس اسلام آمده است عیادت بیمار از حقوقی است که مسلمانان بر یکدیگر دارند که لازم است نسبت به ادای آن خود را موظف بدانند. از پیامبر کرامی اسلامی (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمودند:

حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ: إِذَا لَقِيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ. وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ. وَإِذَا اسْتَصْحَكَ فَانْصَحْ لَهُ. وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدِ اللَّهَ فَشَمِّتْهُ. وَإِذَا مَرِضَ فَعُدَّهُ. وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ (کافی: ۲/۱۷۱/۶) مسلمان را بر مسلمان شش حق است: هرگاه با وی روبه روی شوی سلام کن. هرگاه تورا دعوت کرد اجابتش کن. اگر از تو راهنمایی خواست او راهنمایی کن. هرگاه عطسه کرد و الحمد لله گفت به او «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» بگو، اگر بیمار شد به عیادتش برو و چون درگذشت در تشییع جنازه اش شرکت کن.

ملای مکتب عیادت از بیمار را از وظایف اصلی خود دانسته، هرگاه کسی در منطقه بیمار می‌شد به عیادتش رفته و برای شان دعای سلامتی می‌کردند. و به خانواده شان دلداری می‌دادند. همچنین حضور پر رنگ و اطمینان بخش ملای مکتب در تشییع جنازه، اجرای مراسم تجهیز میت، مراسم‌های ختم و بسیاری از مراسم‌های دیگر قابل اهمیت است، و از لحاظ روحی و روانی تاثیرات مثبت بر روحیه بازماندگان دارد.

۲-۴. نام گذاری نوزادان توسط ملای مکتب

نام گذاری نوزادان منطقه از دیگر برنامه‌های ملای مکتب است که معمولاً در روز سوم ولادت و طی یک مراسم باصفا و ساده انجام می‌گیرد. نام گذاری‌ها عمدتاً اسلامی، جهت دار و طبق روایات رسیده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیه السلام) و در پرتو دیدگاه قرآن کریم صورت می‌گیرد. از این جهت شیعیان افغانستان یکی از باورمندترین و مقیدترین، مسلمانان جهان به شمار می‌رود، نام‌ها به طور عموم اسلامی و برگرفته از نام‌ها و

القاب معصومین (علیهم السلام) که خود نشان از فرهنگ این مردم و برکات فرهنگی مکتب‌خانه‌ها به حساب می‌آید (ضیایی، همان). ملای مکتب با توجه به مسئولیتی که دارد تلاش می‌کند تمام برنامه‌ها و مراسم دینی، مذهبی، فرهنگی و ملی مردم بر مبنای دین مقدس اسلام و مکتب ناب اهل بیت (علیهم السلام) انجام شود.

۵-۲. نقش ملای مکتب در اصلاح ذات البین

اصلاح ذات البین از مطالب بسیار مهم و مورد تأکید خداوند متعال و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امامان بزرگوار (علیهم السلام) است، تا جایی که بارها خداوند در قرآن کریم به این مطلب اشاره فرموده است. در قرآن، واژه‌های صلح، «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (النساء، ۱۲۸) اصلاح، «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال، ۱) تألیف قلوب، «فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آعمران، ۱۰۳) و سلم، «ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً» (بقره، ۲۰۸) نشان‌دهنده‌ی توجه اسلام به صلح و صفا و زندگی مسالمت‌آمیز و شیرین است. اصلاح ذات البین از جمله سیره پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است، در روایات اهل بیت نیز بسیار به این موضوع اهمیت داده شده و به عنوان یکی از برترین عبادات معرفی گردیده است. چنان که امام علی (علیه السلام) در آخرین سفارش‌های خویش به فرزندانش، به این مهم توجه کرده فرمود: «وَصَلِّحْ ذَاتَ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ (صلی الله علیه و آله) يَقُولُ: صَلِّحْ ذَاتَ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ» (نهج البلاغه نامه ۴۷) از جد شما رسول الله شنیدم که می‌فرمود: اصلاح ذات البین از عموم نماز و روزه بهتر است

در افغانستان به ویژه مناطق شیعیان بسیار از دعوی حقوقی، نزاع‌های طرفینی و خانوادگی توسط عالمان دینی؛ به ویژه با پا در میانی ملای مکتب‌خانه‌ها، حل و فصل می‌شدند؛ زیرا حاکمان محلی که نماینده حکومت در منطقه بودند، بر اثر ظلم که بر مردم شیعه روا داشتند و به بهانه‌های مختلف آنان را مورد شکنجه قرار داده بودند، اموالشان را به بهانه مختلف به عنوان رشوه به غارت برده بودند؛ مورد اعتماد مردم نبودند. بر این اساس، شیعیان سعی می‌کردند دعوی حقوقی و غیر حقوقی خویش را در منطقه توسط علما و ملاحای مکتب، که از هر جهت مورد اعتمادشان بودند

حل و فصل نمایند. ملای محل که به‌عنوان مکتب‌خانه دار نیز بود، چند نفر از محاسن سفیدان منطقه را در کنار خود می‌گرفت و بین دو طرف دعوا مصالحه می‌کرد. ملای مکتب علاوه بر کار تدریس امور تحریری محل را از قبیل تنظیم قباله و اجاره‌نامه، اجرای عقد ازدواج و طلاق بر عهده داشت و حتی برای بی‌سوادان محله نامه می‌نوشته و یا نامه‌های رسیده ایشان را می‌خوانده است.

۲-۶. رسیدگی ملای مکتب به مشکلات مردم

از جمله برنامه‌ها علما و ملای مکتب‌خانه‌های سنتی رسیدگی به مشکلات و دلخوری‌های خانوادگی، اهالی محل، روابط دوستان، امر به معروف و نهی از منکر، مشورت دهی و اندرزهای اخلاقی است که در تحکیم نظام خانواده و کاهش مشکلات آنان و حاکمیت اخلاق در میان آنان بسیار مؤثر است (جمعی از نویسندگان، پیشین: ۱۰۷-۱۰۸) چنانکه در متون دینی و روایات معصومین (علیهم السلام) نیز به این مسئله تاکید فراوان شده است. امام صادق (علیه السلام) آشتی بین مردم را به‌عنوان صدقه‌ای که خدا دوست دارد، معرفی کرده می‌فرماید: «يَحِبُّهَا اللَّهُ الصَّدَقَةُ ... وَ تَقَارِبُ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا» (کلینی: ۱۴۹۷، ق/۲، ۲۰۹) در این روایت نزدیک ساختن افراد جامعه به یکدیگر به هنگامی که از یکدیگر دور شده است از جمله صدقات صالحه دانسته شده است.

صدقه اقسامی دارد: از آن جمله صدقه زبانی است که میان مردم با سخن شیوا و شیرین واسطه شود و تلاش کند تا آتش کینه‌ها را خاموش کند و با تشویق به گذشت و مهربانی و طلب آمرزش و حلالیت برای رضای خدا بین آنان صلح و دوستی برقرار کند. و بر این اساس خداوند متعال برای این بزرگواری؛ پاداش بزرگی در خور چنین تلاشی عطا می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء، ۱۱۴) در بسیاری از رازگویی‌های آنان خیری نیست، جز کسی که از طریق صدقه، یا کار نیک، یا آشتی در میان مردم فرمان دهد؛ و هرکه برای طلب خشنودی خدا چنین کند، پس پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

خداوند متعال در این آیه شریفه آشتی دادن را در کنار صدقه و کار نیک قرار داده است و روشن

است که اگر به همراه رضایت خداوند باشد، چه پاداش نیکی خواهد داشت؛ زیرا گاهی امر به معروف یا صدقه زبانی آشکار، شاید سبب شرمندگی و لجاجت کسی بشود باید به دور از چشم دیگران و پنهانی عمل کرد و کمترین آنها دعا و درخواست آمرزش برای پیوند خوردن دل‌ها و گذشت از حق خویش برای ارتباط پیدا کردن بین انسان‌هاست. (انصاریان ۱۳۸۳: ۱۱/۱۳) علما و ملاهای مکتب، در خیلی از مشکلات که در محل وظیفه شان روخ میداد، پادر میانی می‌کردند و گاهی خیلی از مشکلات بزرگ با یک اندرز و نصیحت ملای مکتب حل می‌شد. و چه بسا مردم به ملای مکتب مراجعه می‌کردند از او می‌خواستند که برای حل مشکلات شان تلاش کند.

۲-۷. نقش ملای مکتب در مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی

ملاهایی مکتب، همواره سکوت را در برابر زشتی‌ها و هنجار شکنی‌ها روا ندانسته و خودداری از بیان حقایق را نکوهش کرده است. آنان در اجرای حدود الهی و واکنش در برابر ارتکاب منکرات، وارد عمل می‌شدند و در برابر اقدامات غیر اسلامی و ناهنجاری‌های اجتماعی عکس العمل نشان می‌دهند. چنانکه نقل شده است، در یکی از مناطق شیعه نشین یکی از علمای بزرگ که وظیفه مکتب داری را هم داشته، روزی از جلوی خانه‌ی رد میشود، می‌بیند که عده از مردان در پشت بام مشغول بازی با اسباب لهُو و لعب است. فوری می‌آید در مسجد و مردم را جمع می‌کند، و بالای منبر می‌رود خطاب به مردم می‌گوید: شماه قبلا جمعه خوانی شنیده بودید اما چهارشنبه خوانی نشنیده بودید؛ ولی امروز چهارشنبه است که من شمارا جمع کردم، پس بدانید به خاطر امر مهم شمارا جمع کردم، آنگاه حدیث از پیامبر اسلام می‌خواند که پیامبر فرمود دوره (اخرزمان) بر امت من بیاید که مردم علنا کارهای لهُو و لعب انجام می‌دهند، بعد با آه و ناله می‌گوید: ای مردم من امروز مردان را دیدم که مشغول بازی لهُو و لعب با آلات قمار بود، مردم از سخن سوزناک عالم دینی به گریه می‌افتد.

لذا مردم از ترس اینکه ملای مکتب خبردار بشود جرئت نمی‌کردن که کارهای ناپسند ضد اخلاقی انجام دهد.

۲-۸. ملای مکتب و جلسات وعظ و خطابه

از جمله بر نامه‌های ملای مکتب در راستای اصلاح جامعه و باز داشتن مردم از کارهای ضداخلاقی ترتیب جلسه‌ی وعظ و خطابه در روز جمعه در مسجد محله با عنوان (جمعه خوانی) بوده است. خصوصاً در فصل زمستان که مردم بشتر فراغت و فرصت داشتند، علاوه بر آن به صورت نشست‌های چهره به چهره نیز صورت می‌پذیرفت. عالمان محلی به خوبی دریافته بودند که تبلیغ چهره به چهره اثر بیشتر دارد. به همین جهت، روحانی محل در هنگام صرف غذا که عمدتاً با میزبان صرف می‌کرد و در جمع خصوصی خانواده میزبان حضور یافته به مساله گویی، مشورت دهی، حل اختلاف خانوادگی و بیان اندرزهای اخلاقی می‌پرداخت که می‌توان گفت؛ در تحکیم نظام خانواده و کاهش مشکلات آنان و حاکمیت اخلاق در میان خانواده بسیار مؤثر بود. در این جلسات، اگر رفتار ناشایست و یا هنجار شکن از کسی سر می‌زد با واکنش روحانی محل مواجه می‌شد که طبعاً از بسیار فرصت مغتتم بود.

خلاصه، مکتب‌خانه‌های سنتی در میان شیعیان افغانستان، به‌عنوان بخشی از نظام آموزشی، پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد. در منابع تاریخی و روایی از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم از حضور مکتب‌خانه‌های سنتی در افغانستان خبر داده است. شخصیت‌های علمی مانند ضحاک بن مزاحم بلخی به شغل آموزگاری در مکتب‌خانه‌های سنتی فعالیت داشته است و این روند در قرون بعدی نیز ادامه پیدا نموده است. در برخی مقاطع تاریخی که نظام آموزشی جدید و رسمی نیز در افغانستان فعالیت داشته و برای حضور شیعیان در مکتب دولتی محدودیت‌هایی وجود داشت و فرزندان شیعه نمی‌توانستند وارد مکتب دولتی شوند، مکتب‌خانه‌های سنتی به‌عنوان رقیب و گاهی بدیل فعالیت داشته است. عالمان دینی تلاش می‌کردند شیعیان از باسواد شدن که جزء حقوق اولیه هر انسان به حساب می‌آید محروم نباشند. بسیاری از شیعیان افغانستان با توجه به این که نسبت به مکاتب دولتی بدبین بودند از مکتب‌خانه‌های سنتی به شدت استقبال می‌کردند و این نشان از نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در آموزش و تعلیم شیعیان افغانستان است. روحانی محل و ملای مکتب علاوه بر آموزش کودکان به تربیت دینی، مذهبی و اخلاقی کودکان نیز همت می‌گمارند و کودکان را با وظایف دینی، مذهبی، اخلاقی و آداب و رسوم اسلامی آشنا

می‌کنند که نشان از نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگی اسلامی شیعیان افغانستان است. امر به معروف و نهی از منکر که در منابع دینی و مذهبی مورد تاکید قرار گرفته است از دیگر برنامه‌های روحانی محل (ملای مکتب‌خانه) بوده است چنان که به اصلاح ذات البین که در دین اسلام از اهمیت ویژه برخوردار است، جزء برنامه‌های فرهنگی مکتب‌خانه‌ها و عالمان محل بوده است.

نتیجه

نکات و مطالب که از مطالعه این نوشتار به دست می‌آید می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. در جامعه افغانستان «ملا» از جایگاه اجتماعی بالای برخوردار بوده چون همواره در کنار مردم و با درد و رنج آنان شریک و در واقع پناهگاه برای عموم مردم و به خصوص فقرا، یتام و مستمندان به حساب می‌آیند. «ملا» و روحانیون شیعه که اغلب تحصیل کردگان نجف اشرف یاقم و دارای تحصیلات متوسط‌اند، سال‌ها میان مردم حضور داشته‌اند، شریک شادی‌ها و غم‌های ایشان بوده مرجع مردم در مسایل خانوادگی و حقوقی‌اند.

۲. در کشور مثل کشور جمهوری اسلامی افغانستان که شیعیان در اقلیت بوده و در زمینه‌ی آموزش تعلیم و تربیت که همواره از سوی دولت مرکزی مورد تبعیض قرار می‌گرفته، مکتب‌خانه‌ها که توسط ملاها اداره می‌شده تنها محل برای آموزش فرزندان جامعه شیعه و زمینه گسترش آموزه‌های دینی بوده است.

۳. ملای مکتب از آنجای که در زمینه آموزش و تبلیغ مسائل اسلامی، اصلاح ذات البین، حل دعاوی و نزاع‌های که در برخی موارد در بین افراد محله و قریه پیش می‌آمده، و نوشتن قبالة و عقد و قرار دادها، و همچنین عقد از دواج و طلاق، تقسیم ارث، و انجام مسائل کفن و دفن میت، موعظه پند و اندرزهای اخلاقی، نقش فعال داشته همواره بین مردم از احترام خاصی برخوردار بوده است.

۴. با روی کار آمدن مکاتب دولتی، تبلیغ و تشویق آموزش در مکاتب دولتی، پشرفته بودن در زمینه‌ای روش آموزش، کم کم مکتب‌خانه، خلوت شده، و بالتبع ملاهای مکتب هم از احترام

شان کاسته شده است.

۵. توجه و بازنگری در متون درسی و روش آموزش در مکتب‌خانه‌های دینی، برای احیای آن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، که بایستی به آن پرداخته شود.

۶. مراکز که در احیاء، گسترش و حفظ فرهنگ اسلامی و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نقش مؤثر داشته؛ همانند: (تکیه خانه‌ها، مکتب خانه، مسجد، مدرسه علیمه) که با محوریت ملاها، همزمان با پیدایش و گسترش اسلام در کشور افغانستان، موردتوجه همگان بوده از مهم‌ترین کانون فرهنگی، دینی، به شمار می‌آید.

کتابنامه

قرآن

نهج البلاغه

- حسن، انوری، فرهنگ بزرگ سخن، تهران- انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۵، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- زرکشی، محمد؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، انتشارات دانشگاه، تهران، چ ۳ تهران ۱۳۷۳
- سروش، عبدالکریم، مدارا و مدیریت، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶ ش.
- سعیدی، علی، مبانی و لوازم کلامی سکولاریزم، نشریه‌ی کتاب نقد، سال اول، ش ۱، ۱۳۷۵، ص ۱۶۷- ۱۷۷ ش.
- شجاعی زند، علی رضا، دین، جامعه و عرفی شدن، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰ ش.
- ضیایی، محمد رضا، تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان، چ ۱، ناشر: مرکزین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۶ ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، دفتر انتشارات اسلام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- عباسی، ولی الله، لوازم و پیامدهای نظریه تجربه‌گرایی وحی، نشریه قبسات، سال هفتم، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۲۲- ۱۹۴.
- غزالی، حامد؛ احیاء علوم الدین، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- فتحعلی، محمود، و دیگران، درآمدی بر مبانی اندیشه اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
- فصلنامه علمی - تخصصی انجمن تاریخ اسلام، شماره ۱۷، ۱۳۹۹ ش.
- فنائی، ابوالقاسم، «انتظار بشر از دین، درنگی در صورت مسأله»، مجله نقد و نظر، سال دوم، شماره ۷- ۸، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ص ۲۷۹- ۳۱۲.

- قدردان قراملکی، محمدحسن، حکومت دینی از منظر شهید مطهری، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹ ش.
- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.
- گناه آبادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، ج ۲، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- لاریجانی، صادق، «دین و دنیا»، نشریه حکومت اسلامی، سال دوم، ش ۶، زمستان ۱۳۷۶، ص ۵۲-۷۸.
- مجتهد شبستری، محمد، مجله راه نو، سال اول، ش ۱۳۷۷، ۱۹ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ ۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
- مروه، یوسف؛ العلوم الطبیعیة فی القرآن، بیروت، مطابع الوفا، بی تا.
- مزینانی، محمدصادق، «قلمرو اجتماعی دین از دیدگاه شهید مطهری»، نشریه حوزه، سال شانزدهم، ش ۹۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۲۷۲-۳۱۴.
- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، ج ۱، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۹۰ ق.
- مصیب، غلام حسین، دایره المعارف فارسی، تهران انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱.
- مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، دار القرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، چاپ ۲، ۱۳۷۷.
- الهندی، المتقی، کنز العمال، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹.